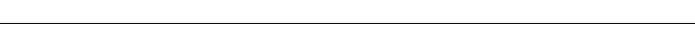




بچه‌تر از حالا که بودیم، در دوران دانشجویی دوستی داشتیم به نام «محمدمتین باستانی». شخصیتش همان قدر ثبات داشت که ترکیب «محمد» با «متین». بنا به درخواست خودش، در کلاس‌های معارف او را «محمد» و در کلاس‌های جامعه‌شناسی با قسمت دوم نامش، یعنی «متین» صدا می‌زدیم. شرح ظاهر و پوشش این آدم نیز مانند نامش در محیط‌های مختلف متغیر بود. مواردی که مستلزم گذشت زمان بود را هم با حفظ هر دو جنبه رعایت می‌کرد، مثلا مدل ریش جالبی داشت، یک تهریش ملایم که ریش قسمت‌های چانه کمی بلندتر بود. به نوعی «ریش پروفیسوری» همراه با «ته‌ریش». بقول خودش یک ادغام ابداعی از مدرنیته و سنت باستانی بود. مواجبه با همه کسانی که به نحوی از انحا موقعیتی بالاتر از او داشتند، آنها را با تکیه کلام و پیشوند «حاجی‌جان» خطاب می‌کرد؛ از رئیس حراست دانشگاه گرفته تا مسؤول انجمن اسلامی. با خضوعی که مخصوص خودش نبود، گردنی همیشه کج و سرری پایین. به گفته خودش، او این همه را از پدرش که جزو رجال بانفوذ شهر بود به ارث می‌برد.

محمدمتین در انتخابات سال ۸۸ ستاد



سیدهدیلا موسوی: سازمان سیا همواره ارزیابی بسیار مثبتی از عملکرد سیاسی «فرح دیبا» در هیات حاکمه ایران، به کاخ سفید گزارش می‌داد، به نوعی که او را به‌عنوان جانشینی مطلوب برای روزی که محمدرضاشاه نباشد، در نظر گرفته بود. این نکته نشان از مهارت فرح در بازی سیاسی در درون حکومت استبدادی‌اش‌نامه داشت. فرح پهلوی از هنگام ورود به دربار با انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مردم‌گرایانه تلاش کرد چهره‌ای متفاوت از دیگر افراد بانفوذ دوران پهلوی دوم از خود نشان دهد اما این سیاست‌ها تا چه حد واقعی بود و آیا توانست در عمل تاثیری بر سرشت استبدادی رژیم پهلوی بگذارد؟

دربار پهلوی دوم، زنان بسیاری را در خود جای داده بود اما در این میان برخی از آنها، نقشی قابل توجه و اهمیتی بسزا در سیاست و حکومت عصر پهلوی داشته‌اند. به تعبیری در این دوره با مثلث قدرتی از زنان پهلوی روبه‌رو هستیم که بی‌شک مادر، خواهر و همسر شاه یعنی تاج‌الملوک، اشرف و فرح دیبا به‌عنوان پرنفوذترین زنان خاندان پهلوی، ۳ ضلع آن را تشکیل می‌دادند. در این میان شاید نقش همسر شاه به نوعی حائز اهمیت و متمایز از سایرین باشد. این اهمیت زمانی نمود پیدا کرد که پس از ۲ تاکامی محمدرضاشاه در ازدواج‌های قبلی خود، فرح به‌عنوان سومین همسر شاه در ۲۹ آذر ۱۳۳۸ به دربار راه یافت و تلاش کرد هر آنچه دو همسر قبلی شاه نداشتند، وی از آن برخوردار باشد. او با تلاش‌های خود و همچنین به لطف اقوام و آشنایان فراوانش که بعدها توسط او به دربار پهلوی راه یافتند، توانست قدرت روزافزونی در ساختار سیاسی حکومت بویژه در آخرین سال‌های زمامداری پهلوی دوم به دست آورد. فرح دیبا در یک خانواده متوسط متولد شد. پدرش در زمان رضاشاه از افسران جزء و مشاور حقوقی ارتش بود که در سنین کودکی او درگذشت و پس از آن، «محمدعلی قطبی»، دایی فرح سرپرستی او و مادرش را برعهده گرفت. فرح پس از پایان تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. فرح پس از ازدواج با شاه در ابتدای ورود به دربار چندان در کارهای سیاسی و حتی اجتماعی دخالت نمی‌کرد اما پس از مدتی با تولد نخستین فرزند شاه و ولیعهد کشور او جایگاه بالاتری در دربار پیدا کرد. «فرح دیبا از این به بعد به‌عنوان همسر شاه و مادر ولیعهد احترام

او بی‌خبر بودم، خیلی اتفاقی او را در مرکز شهر، پشت چراغ قرمز داخل یک خودروی زانتیا می‌شکمی دیدم، خنکای نسیم کولری که از لای شیشه ماشین کناری به صورتم خورد توجهم را به سرنشین ماشین جلب کرد. همان بوی عطر مخصوص خودش را می‌داد با این تفاوت که عطر عربی به عطر فرانسوی تبدیل شده بود. ته ریشش، به ریش پروفیسوری غالب شده بود و یقه دیپلماتش(همان یقه آخوندی قدیم) را تا آخرین دکمه بسته بود. راننده‌اش چمپور نشدند و «آقای وحوانی» بر این مسند نشست. من هم دکترا قبول شدم و برای استخدام در وزارت صنعت به مصاحبه دعوت شدم. امسا روز مصاحبه، فرد مصاحبه‌کننده، مرا با تکیه کلام آشنایی صدا زد:

«خب – «حاجی‌جان» دیگه ما رو هم نمی‌شناسی؟»
با کمال تعجب محمدمتین باستانی را در میزگرد مصاحبه دیدم. ریش پروفیسوری‌اش بسر تهریش غالب شده بود. یقه دیپلمات یک دکمه باز شده بود اما تسبیح دانه‌ریز و انگشتر همچنان باقی بود.اینکه چطور باستانی با کسان می‌خواست از من بگذرد؟ مهم این بود که او حالا شده بود «مدیرکل دایره گزینش واحد توسعه ساختارهای برون‌شبکه‌های منابع انسانی صنّف مواد غذایی

و من نیز همچنان روی موتورسیکلتی که از پدرم ارث برده بودم در گرمای داغ خرداد مشغول امتحانات کارشناسی ارشد بودم. حول و حوش انتخابات ۹۲، در یک موسسه خصوصی تدریس می‌کردم. یک شب در ایام انتخابات محمدمتین را در یکی از ستادهای «آقای قالیباف» دیدم. خبری از زانتیا و راننده خصوصی نبود. کت سلوار و یقه دیپلماتش را هم در آورده بود. وقتی سوار موتورش شد با کمی دقت تشخیص دادم باید خودش باشد. روی نورگیر موتور اما عکس «آقای ولایتی» را زده بود. سال ۹۲ انتخابات برگزار شد. نه قالیباف و نه ولایتی هیچ کدام رئیس‌جمهور نشدند و «آقای روحانی» بر این مسند نشست. من هم دکترا قبول شدم و برای استخدام در وزارت صنعت به مصاحبه دعوت شدم. امسا روز مصاحبه، فرد مصاحبه‌کننده، مرا با تکیه کلام آشنایی صدا زد:

«خب – «حاجی‌جان» دیگه ما رو هم نمی‌شناسی؟»
با کمال تعجب محمدمتین باستانی را در میزگرد مصاحبه دیدم. ریش پروفیسوری‌اش بسر تهریش غالب شده بود. یقه دیپلمات یک دکمه باز شده بود اما تسبیح دانه‌ریز و انگشتر همچنان باقی بود.اینکه چطور باستانی با کسان می‌خواست از من بگذرد؟ مهم این بود که او حالا شده بود «مدیرکل دایره گزینش واحد توسعه ساختارهای برون‌شبکه‌های منابع انسانی صنّف مواد غذایی

نگاره‌ها

راهکاری برای قانون بقای شغل

درآمدی بر مکتب «حاجی جانیسَم»

- مالک شیخی *

وزارت صنعت، معدن و تجارت». غیر از تغییر در نام وزارتخانه‌ها، تغییر شغلی او از «برساختارها» به «ساختارها» رسیده بود و از «درون‌شبهه» به «برون‌شبهه». این را روی کارت ویزیتش که در آخر مصاحبه به من داد نوشته بود. غیر از این دو مورد تغییر محسوسی در شغلش ایجاد نشده بود! بعدها در جامعه آدم‌های زیادی دیدم که نامشان «محمدمتین» نبود اما شباهت زیادی به او داشتند که همگی در چند فاکتور مشترک بودند. با این تفاسیر تصمیم گرفتم تز دکتری خودم را طی یک تحقیق علمی به‌ ارائه مدلی از این نوع آدم‌ها پردازم. آدم‌هایی که در هر زمان و مکانی بر منصب‌های «یک خطی جعلی» منصوبند. مکتب «حاجی جانیسَم» یا قانون بقای پست شغلی.

لازم به ذکر است این مدل تا الان برای آقایان تهیه شده و در فرصت‌های بعدی برای بانوان محترمه نیز محقق خواهد شد. الف- اولین موضوعی که در این مدل باید توجه داشته باشید رعایت تکیه کلام «حاجی جان یا حاج آقا» است. حق و ناحق هر کسی که بالاتر از شماست چه به لحاظ موقعیت چه به لحاظ شأن، حتی اگر خانه خدا را در تلویزیون هم ندیده باشد باید حتما بسته باشد و در جلسات «پایین‌دست» می‌تواند حتی تا ۲ دکمه هم باز باشد.

ج- استفاده از تسبیح دانه‌ریز ۳۰ دانه‌ای: در این باره چنانچه تسبیح دانه‌درشت انتخاب شود شما به لمپن بودن ملقب خواهید شد و چنانچه تسبیح دانه‌ریز و سدتایی باشد برجسب «حزباللهی» به شما زده می‌شود که آسیب‌های هر کدام در بالا اشاره شد.
جلسه با حضور مسؤولان بالادست شما بود از کلمات عربی و اگر جلسه شامل افراد زیردست شما بود کلمات لاتین را استفاده کنید.
کلیدواژه‌هایی شامل:

۱- عربی:

علی الدوام؛ فرس قاطع؛ مع ذلک؛ در این باب.
۲- لاتین:

ب- در مکالمات تلفنی خود سعی کنید در ابتدای مکالمه به جای احوالپرسی مدام «یا الله، یا الله» ■ ■ ■

حکومت و قرار گرفتن در زمره مخالفان انقلابی، انتقادهای‌شان را به شکلی ملایم و بی‌خطر آن

هم در محلی همچون دفتر فرح و در جمع‌های محدود و کوچک بر زبان می‌رانند که تبعات منفی برای حکومت پهلوی نداشت.

■ **ملکه دموکرات در برابر شاه مستبد؛ زدن یک تیر با ۲ نشان!**
رویکرد سیاسی فرح در قبال منتقدان رژیم شاه و تحمل و پذیرش آنان در دستگاه عرض و طویل اداری او که خود به مانند وزارتخانه‌ای دولتی عمل می‌کرد، در واقع منفعتی دوسویه برای شخص فرح و همچنین رژیم شاه داشت. مهم‌ترین شاخصه اصلی کنش سیاسی فرح در طول زمامداری حکومت پهلوی، ارائه تصویری جدید از حکومت در برابر منتقدان رژیم و همچنین معرفی خود به‌عنوان چهره‌ای لیبرال و روشنفکر بود که گاهی حتی در نقطه مقابل حکومت استبدادی و مطلقه محمدرضا به نظر می‌رسید. به این ترتیب فرح با اقداماتش به نوعی هم چهره خشن استبداد پهلوی را تلطیف می‌کرد و هم با وجهه‌ای که در خارج از کشور با تبلیغ گسترده همین اقدامات به دست می‌آورد، مشروعیتی بین‌المللی برای حکومت پهلوی کسب می‌کرد؛ مشروعیتی که در داخل بشدت زیر سوال بود و به همین دلیل اقدامات به ظاهر دموکراتیک و آزادی‌خواهانه فرح در خارج از کشور می‌توانست حداقل وجهه‌ای بین‌المللی برای رژیم پهلوی کسب کند و از بار سنگین انتقادات در داخل بکاهد. تلاش فرح برای کسب حمایت عمومی در داخل و خارج از کشور با آگاهی از بیماری شاه در ماه‌های پایانی سلطنت پهلوی بیشتر شد. او در واقع تلاش داشت جایگاه خود و فرزندش را برای زمانی که شاه دیگر زنده نبود، بویژه میان قدرت‌های بزرگ غربی حامی شاه تثبیت کند.

مجموعه کارهایی که برای نشان دادن چهره لیبرال دولت و نظام ایران در این زمان صورت می‌گرفت، صرفنظر از تصور جلب رضایت مردم کشور، نگاهی هم به خارج و بویژه کاخ سفید داشت و با این هدف صورت می‌گرفت که آمریکای کارتر الگوی مورد نظر حقوق بشری خود را در پیشانی آن ببیند و به آن جلب شود. البته جدا از

بگویید و در خداحافظی این تکیه کلام‌ها را استفاده کنید:

– خدا شما رو برای مسلمین حفظ کنه…

ایدکم الله… توفیقی شدد در محضرتون تلمذ کردیم… فیض بردیم و…

ت- ته ریش همراه ریش پروفیسوری: این مولفه به نوعی است که با ظرافت خاصی باید رعایت شود، چرا که این آرایش اولین فاکتور در تصویرسازی شما خواهد بود. چنانچه ته ریش به ریش بلند تبدیل نشود بلافاصله برجسب «حزباللهی» بر شما زده می‌شود که قاعدتاً با این حساب پیشرفت خاصی برای شما در دستگاه‌های دولتی حاصل نخواهد شد. مضاف بر اینکه به افراطی بودن نیز محکوم می‌شوید. از طرفی اگر ریش را با تیغ بزیند به ملحد بودن محکوم خواهید شد. در «حاجی جانیسَم» ته ریش با یک لایه ریش پروفیسوری نکته‌ای‌ست که برای هر دو طیف سیاسی کشور مقبول است.

ث- یقه دیپلمات: پیراهن یقه دیپلمات تنها پوششش این مکتب است. ترجیحاً در جلسات «بالادست» دکمه انتهای موسوم به «دکمه تقوا» باید حتما بسته باشد و در جلسات «پایین‌دست» می‌تواند حتی تا ۲ دکمه هم باز باشد.

ج- استفاده از تسبیح دانه‌ریز ۳۰ دانه‌ای: در این باره چنانچه تسبیح دانه‌درشت انتخاب شود شما به لمپن بودن ملقب خواهید شد و چنانچه تسبیح دانه‌ریز و سدتایی باشد برجسب «حزباللهی» به شما زده می‌شود که آسیب‌های هر کدام در بالا اشاره شد.

لازم به ذکر است در مکتب حاجی جانیسَم محدودیت‌های اخلاقی دست و پاگیری برای دخل و خرج‌های مالی نیز وجود ندارد.

تذکر نوشت: آنچه ریشه دین را می‌خشکاند نه

کفر است نه الحاد، تزویر است، تزویر!

همه اسامی، عناوین و پست‌های شغلی این متن ساخته ذهن نویسنده است و در عالم واقعیت وجود ندارد.

«دانشجوی دکتری ام‌دیریت فرهنگی

این امر نباید از روابط شخصی شهبانو با کاخ سفید و خام‌کارتر و اساسا محافل آمریکایی از طریق تماس با موسسه آسپن (Aspen) و سفرهای

مرتب او به آمریکا بی‌توجه گذشت… او امیدوار بود از این کانال‌ها در موقع معین حمایت لازم را دریافت کند.»^(۱)

طبق اسناد به دست آمده آمریکایی‌ها نیز که از وخامت حال شاه در سال ۱۳۵۷ آگاهی داشتند به فرح برای تثبیت رژیم سلطنتی او امیدوار بودند. «ارزیابی بسیار مثبت از آئس اس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) از فرح دیبا و جایگاهی که این سرویس برای فرح پس از مرگ شاه در نظر گرفته بود این احتمال را تقویت می‌کند.»^(۲) فرح پهلوی هرچند در طول دوره طولانی حضور خود در دربار تلاش داشت چهره‌ای متفاوت از دیگر اعضای این خانواده در اذهان عمومی از خود ارائه دهد اما نگاهی دقیق به اقدامات وی نشان می‌دهد عملکرد سیاسی فرح در نهایت سسویاب اطمینانی برای جلوگیری از افتادن رژیم پهلوی در دام انقلاب‌های مردمی بوده است؛ سیاستی که البته به دلیل جذب گروهی محدود از روشنفکران، عدم همراهی عموم مردم و در نهایت سرشت استبدادی حکومت کارآمد نبود.

بی‌نوشت

۱- **نیلوفر کسری، زنان ذی‌نفوذ خاندان پهلوی، تهران، نشر نامک، ۱۳۸۰، چاپ دوم، ص ۲۱۳**

۲- **محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوسیت، ج ۲، ج ۵، تهران، نشر علم، ۱۳۸۳، ص ۶۶۲**

۳- **دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از ظهور تا سقوط، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶، ص ۱۲۰**

۴- **حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، چاپ هفتم، ص ۲۱۳**

۵- **احمدعلی مسعود انصاری، پس از سقوط (سرگذشت خاندان پهلوسو در دوران آوارگی)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸، چاپ هفتم، ص ۱۴۱**

۶- **حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، چاپ بیست و هفتم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۴۴۳.**

منبع:موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

طنز

رونمایی از فیلم یک عمر انصراف

مصطفی پارسا: نشست خبری فیلم «یک عمر انصراف» ساخته محمد شکلاتی و با نقش آفرینی محمدرضا عارف در پرديس سینمایی امید برگزار شد.این فیلم که با سرمایه‌گذاری کمپانی برادران کارگزار تولید شده، از امیدهای امسال سینمای ایران برای کسب جوایز در فستیوال‌های جهانی است. در ابتدای این نشست، محمدرضا عارف که بازی‌اش در این فیلم تحسین منتقدان را به دنبال داشته، گفت: «فیلم یک عمر انصراف، فضایی رئال دارد و بر پایه داستانی واقعی ساخته شده. در واقع من از کودکی با خود عهد بسته بودم که انصراف را سنسرلوحه زندگی‌ام قرار دهم و در هر عرصه‌ای که ممکن باشد انصراف دهم. البته ممکن است در میان افکار عمومی انصراف‌های بنده صرفاً از سال ۹۲ به بعد دیده شده باشد که چنین نگاهی محصول تخریب‌های صورت‌گرفته توسط اردوگاه رقیب است. من از سال‌ها قبل پدیده انصراف را دنبال می‌کردم و شاهد مثال آن هم انصرافم از کاندیداتوری در انتخابات مجلس هشتم در سال ۸۶ و ریاست جمهوری دهم در سال ۸۸ است. اتفاقاً به خاطر همین تجربه موفق بود که آقای شکلاتی در سال ۹۲ ایده فیلم یک عمر انصراف را به من داد و بنده نیز با توجه به علاقه ذاتی و تجربه کاری‌ام، این پیشنهاد را پذیرفتم. بعد از سال ۹۲ هم تا به امروز، در هر عرصه‌ای که توانستم انصراف دادم و اگر در موارد معدودی انصراف ندادم، به این خاطر بوده که منفعت و نظر دوستان را بر منفعت و نظر خود مقدم دانستم؛ اگرنه همه می‌دانند که اگر من در یک تصمیمی با ۲ گزینه مواجه شوم که یکی از آن ۲ گزینه، انصراف باشد، من بدون تردید انصراف را انتخاب می‌کنم. در انتخابات هیأت رئیسه مجلس هم دوستان لطف کردند و با در نظر گرفتن تمایلات قلبی من، در نهایت نتیجه‌ای را رقم زدند که بی‌شباهت به انصراف نبود؛ فلذا جا دارد همین جا از آنان بابت این لطف‌شان تشکر کنم. و اما در انتخابات هیأت رئیسه کمیسیون آموزش هم که خبراً از آن انصراف دادم، باید بگویم بنده از ابتدا به دنبال انصراف بودم که الحمدلله این بار نیز با عنایت مجدد یاران امیدی‌مان، توانستم انصراف بدهم. لکن متأسفانه اخیراً دوستان کم‌تلفانی کرده و بنده را برای ریاست مجمع نمایندگان استان تهران در مجلس انتخاب کردند که به نظرم بی‌انصافی بوده؛ البته بالاخره آنها هم برای این آسان‌توجهی‌هایی داشتند و لابد تحلیل‌شان این بوده که برخلاف موارد متعدد قبلی که به انصراف من می‌انجامید این پست اسام دست مہمی نیست، بنابراین اجباراً بنده را انتخاب کردند و نگذاشتند انصراف دهم. در پایان دوست دارم از این فرصت استفاده کنم و از آقای شکلاتی به خاطر اعتمادشان به بنده تشکر کنم، ایشان بودند که زودتر از همه، توانایی‌های من در زمینه انصراف را کشف کردند و همواره بر انصراف بنده و دور کردن من از سمت‌های مهم، نقشی کلیدی داشتند. من خودم را مدیون اعتماد ایشان می‌دانم. ابغض آقای عارف، درباره این فیلم هم باید بگویم خوشحالم که از این تریبون اعلام کنم با توجه به تصمیم آقای شکلاتی و کمپانی برادران کارگزار، قرار است قسمت‌های بعدی یک عمر انصراف را با عنوان «وژه‌های سیاسی انصراف» بسازیم؛ در ادامه، کارگردان فیلم که به دلایل مشخصی نتوانسته بود در این نشست حضور یابد، با ارسال پیامی تصویری بیان کرد: «لساسا برخلاف تصور بازیگر عزیزمان آقای عارف، این فیلم با هدف به تصویر کشیدن پدیده انصراف ساخته نشده و فیلم پیام‌هایی در چند لایه دارد. در واقع انصراف برای ما یک نماد از تحمیل اراده جامعه مدنی به بازیگران بدلی است. لذا ما توجه ویژه‌ای به جنبه‌های اخلاقی این اقدام‌مان مورد پنهان‌سازی در این فیلم، ندارم. آقای عارف هم هنرمندانه و مو به مو، نکات هنری و دستورات عوامل فیلم را اجرا کردند و فکر می‌کنم مهم‌ترین عامل موفقیت فیلم، همین اعتماد ایشان به کارگردان و بزرگان عرصه بازیگرانی بوده است.»

سپس تهیه‌کننده فیلم از کمپانی برادران کارگزار، از انتخاب این فیلم به عنوان «وژه‌های سیاسی ایران در اسکار ابراز خوشحالی کرد اما در عین حال، هرگونه تصمیم قطعی در این باره را منوط به نظر بزرگان منیبن بر عدم انصراف آقای عارف دانست. حسن ختام این برنامه هم تقدیر عوامل فیلم از بازیگردان اصلی آن آقای پسته‌چیان به خاطر یک عمر فعالیت در عرصه بازیگرانی بود.



۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

ار تباط‌بامادر شبکه‌های اجتماعی